

سلسله درس های مهدویت

حلقه چهارم

لوازم معرفت

ekalam.ir

دکتر سید محمد کدبنی هاشمی



سرشناسه: بنی‌هاشمی، سید محمد، ۱۳۳۹
عنوان و نام پدیدآور: لوازم معرفت؛ سلسله درس‌های مهدویت، حلقه چهارم
سید محمد بنی‌هاشمی.
مشخصات نشر: تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری: ۲۵۶ ص.
شابک جلد چهارم: ۳- ۱۵۱- ۵۳۹- ۹۶۴- ۹۷۸-
شابک دوره: ۲- ۱۵۸- ۵۳۹- ۹۶۴- ۹۷۸-
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.
یادداشت: کتابنامه: همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع: محملین حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. مهدویت.
موضوع: محملین حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. احادیث.
رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۸ س ۸ ب ۸۳ / BP ۲۲۴
رده‌بندی دیوبی: ۳۹۷ / ۴۶۲
شماره کتابشناسی ملی: ۱۷۲۹۴۱۵

شابک ۳- ۱۵۱- ۵۳۹- ۹۶۴- ۹۷۸- ISBN 978-964-539-151-3

لوازم معرفت

سلسله درس‌های مهدویت (۴)
سید محمد بنی‌هاشمی
ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر
نوبت چاپ: دوم / ۱۳۹۰
تیراژ: ۱۵۰۰ نسخه
حروفچینی: شبیر / ۷۷۵۲۱۸۳۶
چاپ: زنق

دفتر مرکزی: خیابان مجاهدین، چهارراه آبسردار، ساختمان پزشکان، واحد ۹ تلفن و فاکس: ۷۷۵۲۱۸۳۶ (خط ۶)
فروشگاه: تهران، خیابان ایران، خیابان مهدوی‌پور، پلاک ۶۴ تلفن: ۰۲۱ ۳۳۵۶۶۸۰۱ (خط ۴) ۷۷۵۲۱۸۳۶ (۰۹۳۵)

وب سایت: <http://www.monir.com>
پست الکترونیک: info@monir.com

دیگر مراکز بخش: تبریز (صحیفه) ۰۴۱۱-۵۵۵۱۸۴۸ * اهواز (رشد) ۰۶۱۱-۲۲۱۷۰۰۱ * مشهد ۰۵۱۱-۲۲۵۷۲۵۷
شیراز (شاهچراغ) ۰۷۱۱-۲۲۲۱۹۱۶ * اصفهان (مهر قائم) ۰۲۱۱-۲۲۲۱۹۹۵ * دزفول (مراج) ۰۶۴۱-۲۲۶۱۸۲۱

۴۰۰۰ تومان



این حلقه به نیابت از:

چهارمین سفیر و نایب خاص خاتم الاوصیاء علیه السلام

جناب علی بن محمد سیمری رحمته الله

به پیشگاه؛

عموی بزرگوار خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم

حضرت حمزه بن عبدالمطلب علیه السلام

تقدیم می گردد.



فهرست مطالب

۱۵	فصل اول: صحّت معرفت
۱۵	درس اول: صحّت معرفت
۱۶	ملاک صحّت معرفت
۱۸	علم صحیح فقط نزد اهل بیت علیهم السلام است
۲۰	استقامت در پرتو علم صحیح
۲۲	بشارت خداوند به خردمندان
۲۷	فصل دوم: تسلیم به امر الهی در مورد امام علیه السلام
۲۷	درس دوم: تسلیم در برابر امام علیه السلام ، لازمه ایمان
۲۷	شرط تسلیم در معرفت
۲۹	شرک و کفر، نتیجه عدم تسلیم
۳۱	ناسازگاری استعجال با تسلیم
۳۶	درس سوم: راه تحقق تسلیم نسبت به ائمه علیهم السلام
۳۶	مقدم کردن خواست ائمه علیهم السلام بر خواست خود
۳۹	تسلیم نسبت به احادیث در زمان غیبت
۴۱	صعوبت تحمّل احادیث ائمه علیهم السلام

۴۳	انکار حدیث به سبب عدم تحمّل آن
۴۶	درس چهارم: مواجهه صحیح با احادیث ائمه علیهم السلام
۴۶	فرض تعارض مدلول حدیث با حکم عقل
۴۸	اقسام تعارض عقل و نقل
۵۰	وظیفه انسان نسبت به آیات و احادیث متشابه
۵۲	هفتاد معنا برای احادیث اهل بیت علیهم السلام
۵۴	روش فقیهانه در استفاده از احادیث
۵۷	لزوم عنایت ائمه علیهم السلام برای تحمّل احادیث
۶۰	پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۱ تا ۴

۶۳	فصل سوم: محبّت نسبت به اهل بیت علیهم السلام
۶۳	درس پنجم: محبّت نسبت به اهل بیت علیهم السلام
۶۳	محبّت، نشانه ایمان کامل
۶۵	جلب محبّت از طریق تسلیم
۶۶	گریه برای امام علیه السلام بر اثر شدّت محبّت
۷۰	دوستی با دوستان امام علیه السلام و دشمنی با دشمنان ایشان
۷۳	اهمّیت ادای حقوق برادران ایمانی
۷۵	رفع گرفتاری از دوستان امام علیه السلام

۸۱	فصل چهارم: یاد کردن پیوسته از امام علیه السلام
۸۱	درس ششم: یاد کردن پیوسته از امام علیه السلام
۸۱	فراموش نکردن امام غایب
۸۲	مراتب ذکر امام علیه السلام
۸۵	شرکت در مجالس ذکر اهل بیت علیهم السلام
۸۸	ذکر مصائب اهل بیت علیهم السلام

فهرست مطالب □ ۹

۹۱	فصل پنجم: یاد گرفتن و یاد دادن علوم ائمه علیهم السلام
۹۱	درس هفتم: یاد گرفتن و یاد دادن علوم ائمه علیهم السلام
۹۱	راه احیای امر اهل بیت علیهم السلام
۹۳	وظیفه عالمان در زمان غیبت
۹۵	پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۵ تا ۷
۹۷	فصل ششم: انتظار و دعا
۹۷	درس هشتم: انتظار و دعا
۹۷	انتظار فرج امام عصر عجل الله تعالی فرجه
۱۰۰	نیت منتظر بر یاری کردن امام عجل الله
۱۰۳	عاقبت یک عمر انتظار
۱۰۹	دعا برای تعجیل فرج امام عصر عجل الله
۱۰۹	دعای ائمه علیهم السلام بر تعجیل فرج امام عصر عجل الله
۱۱۳	فصل هفتم: احساس حضور امام عصر عجل الله
۱۱۳	درس نهم: احساس حضور امام عصر عجل الله
۱۱۳	توجه امام عصر عجل الله به مؤمنان
۱۱۶	احساس حضور امام عجل الله در زمان غیبت
۱۲۱	فصل هشتم: ورع دوستان امام عصر عجل الله
۱۲۱	درس دهم: ورع دوستان امام عصر عجل الله
۱۲۱	رعایت سنن ائمه علیهم السلام در زمان غیبت
۱۲۵	نقش ورع در دینداری
۱۲۷	کمک به اهل بیت علیهم السلام از طریق ورع

۱۳۱	فصل نهم: نصرت امام عصر علیه السلام
۱۳۱	درس یازدهم: نصرت امام عصر علیه السلام
۱۳۱	یاری کردن خداوند
۱۳۳	یاری کردن امام غایب
۱۳۴	یاری کردن امام علیه السلام با زبان
۱۳۸	پرسش‌های مفهومی از درس ۸ تا ۱۱
۱۳۹	فصل دهم: وفای به عهد الهی
۱۳۹	درس دوازدهم: عهد بستن با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام
۱۳۹	عهد الهی در قرآن
۱۴۱	سابقه عدم وفا به عهد خداوند
۱۴۲	جزئیات عهد الهی در مورد امامت
۱۴۳	ضرورت وفا به عهد امامت در همه زمانها
۱۴۴	آخرین و مهمترین اعلان عهد امامت
۱۴۵	چگونگی عهد بستن با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام
۱۴۷	تجدید بیعت
۱۴۹	درس سیزدهم: پیمان بندگی (۱)
۱۵۰	معانی مولی و عبد
۱۵۲	شوؤن مولی و عبد
۱۵۴	تفاوت عبودیت در برابر خدا و در برابر ائمه علیهم السلام
۱۵۷	عبودیت و سروری
۱۶۲	پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۱۲ و ۱۳
۱۶۳	درس چهاردهم: پیمان بندگی (۲)
۱۶۳	مراتب عبودیت در برابر مولی
۱۶۴	اظهار عبودیت سیدبن طاووس در پیشگاه امام عصر علیه السلام
۱۶۶	عبدالمهدی علیه السلام شدن فرزند سیدبن طاووس

فهرست مطالب □ ۱۱

۱۶۷	آقای مولا در حق بنده خود
۱۶۹	اظهار بندگی نسبت به امام عصر علیه السلام در کلام صدرالاسلام همدانی
۱۷۱	ضرورت معاهده بنده با مولای غایب خود
۱۷۳	درس پانزدهم: نقض پیمان و راه جبران آن
۱۷۳	نقض پیمان بندگی با ارتکاب گناه
۱۷۵	چگونگی محاسبه و تطهیر نفس از گناهان
۱۷۷	مناقشه خداوند نسبت به گناهان
۱۷۹	عدم مناقشه در مورد گناهان به سبب تجدید عهد با ائمه علیهم السلام
۱۸۱	طلب مغفرت از مولا برای پاکی از گناهان
۱۸۳	توبه از گناه در هنگام عرض اعمال
۱۸۷	درس شانزدهم: وظیفه بندگی
۱۸۷	خشوع بنده در برابر مولا
۱۹۱	اولویت مولا نسبت به بنده در همه امور
۱۹۶	پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۱۴ تا ۱۶
۱۹۷	فصل یازدهم: خدمتگزاری به امام عصر علیه السلام
۱۹۷	درس هفدهم: وظیفه خدمتگزاری
۱۹۷	آرزوی خدمت به حضرت ولی عصر علیه السلام از زبان امام صادق علیه السلام
۱۹۸	سبب لزوم خدمت به امام عصر علیه السلام
۱۹۹	تفاوت بین نصرت و خدمت
۲۰۰	مباشرت در خدمت به امام زمان علیه السلام
۲۰۱	اظهار فروتنی در خدمت به حضرت مهدی علیه السلام
۲۰۳	مراتب خدمتگزاری به مولا
۲۰۷	درس هجدهم: چگونگی خدمت مقبول به مولا
۲۰۷	مصادیق خدمتگزاری به امام غایب علیه السلام
۲۱۰	گستره خدمت به حضرت ولی عصر علیه السلام

۲۱۲	اهمیت صداقت و ادای امانت در خدمت به امام عصر علیه السلام
۲۱۶	تعهدآور بودن انتساب به ائمه علیهم السلام
۲۱۷	شکر نعمت انتساب به ائمه علیهم السلام
۲۱۹	درس نوزدهم: دعوت مردم به سوی امام علیه السلام
۲۱۹	راه‌های مختلف دعوت به امام زمان علیه السلام
۲۲۹	فضیلت رسیدگی علمی به ایتمام آل محمد علیهم السلام
۲۲۳	ارزش دستگیری علمی از ایتمام امام عصر علیه السلام در زمان غیبت
۲۲۴	همدل شدن شیعیان بر وفای به عهد امامت
۲۲۶	محفوظ ماندن خدمت خالصانه و صحیح
۲۲۸	تلاش برای تداوم توفیق در خدمتگزاری
۲۳۱	درس بیستم: خدمت خالصانه
۲۳۱	جدیت و اخلاص: دو عامل اساسی برای تداوم خدمتگزاری
۲۳۴	تعریف اخلاص و اهمیت آن
۲۵۴	ضرورت حسن فعلی و فاعلی برای اصابت عمل
۲۳۷	شرط سوم اصابت عمل: خشیت از خداوند
۲۳۹	مراقبت از عمل تا هنگام مرگ
۲۴۱	سه شرط لازم برای خدمتگزاری صحیح
۲۴۵	یادی از شب عاشورای امام حسین علیه السلام
۲۴۹	ذکر از مصائب کودک شیرخوار ابا عبدالله علیه السلام
۲۵۰	زیارت عبدالله بن الحسین علیه السلام
۲۵۲	پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۱۷ تا ۲۰
۲۵۳	فهرست منابع

در بخش دوم از حلقه سوم مباحثی در زمینه فضیلت و
اهمیت معرفت امام عصر علیه السلام در زمان غیبت ایشان مطرح
گردید. اکنون لازم است ویژگی های این معرفت تا اندازه ای
مورد بررسی قرار گیرد تا معلوم شود چه معرفتی دارای آن
آثاری است که در احادیث، ذکر شده و لوازم و نشانه های آن
چیست.

اصل معرفت، یک امر قلبی است، اما آثار و لوازم آن هم
می تواند امور قلبی باشد و هم امور خارجی. در این حلقه برای
تکمیل مباحث گذشته به اهم این موارد اشاره می شود تا نتیجه
عملی آن مباحث، روشن گردد.



فصل ۱

صحت معرفت

درس اول: صحت معرفت

اولین ویژگی معرفتی که می تواند انسان را در زمان غیبت امام عجل الله تعالی فرجه از انحراف و بی دینی نجات بخشد، صحت و درستی آن است. اگر چنین نباشد، امیدی به اینکه دارنده آن در ولایت و امامت ائمه علیهم السلام ثابت قدم بماند، وجود ندارد.

امام زین العابدین علیه السلام می فرماید:

إِنَّ لِلْقَائِمِ مَنَا غَيِّتَيْنِ إِحْدَاهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْأُخْرَى وَ أَمَّا
الْأُخْرَى فَيَطْوُلُ أَمْدُهَا حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرُ مَنْ
يَقُولُ بِهِ. فَلَا يَثْبُتُ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ قَوِيَ يَقِينُهُ وَ صَحَّتْ مَعْرِفَتُهُ وَ
لَمْ يَجِدْ فِي نَفْسِهِ حَرَجاً مِمَّا قَضَيْنَا وَ سَلَّمَ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ.^۱

همانا قیام‌کننده از ما (اهل بیت) دو غیبت دارد که یکی از آنها طولانی‌تر از دیگری است.... و اما غیبت دیگر، پس مدّت آن به درازا می‌کشد تا آن حد که بیشتر کسانی که اعتقاد به امامت او (حضرت مهدی علیه السلام) دارند، از این اعتقاد بر می‌گردند. پس ثابت قدم نمی‌ماند مگر کسی که یقینش محکم و معرفتش صحیح باشد و قلباً پذیرفتن احکام ما برایش سخت نباشد (ظرفیت پذیرش آنچه را ما حکم می‌کنیم، داشته باشد) و تسلیم ما اهل بیت باشد. این شرط برای هر معرفتی لازم است؛ چه معرفت خدا، چه معرفت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و چه معرفت امام ایشان. به طور کلی همه معرفتهای دینی باید صحیح و مطابق آنچه خداوند خواسته است، باشد. اینک باید دید چه معیاری برای صحت معرفت وجود دارد؟ از کجا می‌توان مطمئن به درستی یک معرفت شد؟

ملای صحت معرفت

پاسخ این سؤال با توجه به تعریفی که اهل بیت علیهم السلام از «معرفت» ارائه داده‌اند، معلوم می‌شود. امام باقر علیه السلام خطاب به فرزندش امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

يَا بُنَيَّ، اعْرِفْ مَنَازِلَ الشَّيْعَةِ عَلَى قَدْرِ رَوَايَتِهِمْ وَ مَعْرِفَتِهِمْ.
فَإِنَّ الْمَعْرِفَةَ هِيَ الدَّرَايَةُ لِلرَّوَايَةِ. وَ بِالْإِدْرَايَةِ لِلرَّوَايَاتِ يَعْلَمُ
الْمُؤْمِنُ إِلَى أَقْصَى دَرَجاتِ الْإِيمَانِ. إِنِّي نَظَرْتُ فِي كِتَابِ
لِعَلِيِّ عليه السلام فَوَجَدْتُ فِي الْكِتَابِ أَنَّ قِيمَةَ كُلِّ امْرِئٍ وَ قَدْرَهُ
مَعْرِفَتُهُ.^۱

ای پسر، درجات و مراتب شیعیان را از اندازه روایت و میزان معرفت آنها بشناس. چرا که معرفت، همان فهم و شناخت روایات است. و از طریق همین فهم‌ها نسبت به روایات است که مؤمن تا بالاترین درجاتِ ایمان بالا می‌رود. من در نوشته‌ای از علی‌علیه السلام نظر کردم و در آن چنین دیدم که ارزش و منزلت هر کس (به اندازه) معرفت اوست.

همه مطلب در این عبارات بیان شده است. معرفت از نظر پیشوایان ما چیزی جز فهم احادیث نیست. این خود میزانی است برای تشخیص معرفت صحیح؛ به طوری که در هر بابی، احادیث مربوط به آن، معیار صحّت معرفت در آن باب می‌باشد. مثلاً در خداشناسی، میزان صحّت یا عدم صحّت معرفت خدا، روایاتی است که در این خصوص وارد شده است.

این امر، اهمّیت رجوع به احادیث اهل بیت علیهم السلام را در همه ابواب معارف روشن می‌کند و همین، معیار درجه ایمان شخص می‌باشد. هر کس به اندازه فهم عمیق خود در احادیث ائمه علیهم السلام از کمال ایمان بهره‌مند می‌شود.

پس اگر کسی در معارف دینی، کاری به روایات نداشته باشد و معرفت خود را از منابع غیر حدیثی اخذ کند، نباید انتظار صحّت معرفت خود را داشته باشد. ارزشی که امیرالمؤمنین علی علیه السلام برای هر انسانی قائل هستند، به میزان معرفت او برمی‌گردد و درستی معرفت هم معیارش رجوع به احادیث و فهم عمیق نسبت به آنهاست.

علم صحیح فقط نزد اهل بیت علیهم السلام است

سرّ مطلب و اینکه چرا معیار صحّت معرفت، منطبق بودن آن با احادیث می باشد، در این حقیقت نهفته است که اصولاً هیچ علمی جز از ناحیه اهل بیت علیهم السلام به دست نمی آید. منظور از علم، آن حقیقت نوری است که خداوند در قلب هر کس که بخواهد، قرار می دهد و او را هدایت می نماید. امام صادق علیه السلام می فرمایند:

لَيْسَ الْعِلْمُ بِالْتَّعَلُّمِ. إِنَّمَا هُوَ نُورٌ يَنْعَمُ فِي قَلْبٍ مَنْ يُرِيدُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْ يَهْدِيَهُ.^۱

علم به درس خواندن حاصل نمی شود. علم چیزی نیست مگر نوری که در قلب آن که خدای تبارک و تعالی هدایتش را بخواهد، پدید می آید.

در این علم، خطا و اشتباه راه ندارد. کسی را که خداوند بخواهد هدایت کند، از طریق نور علم به راه صحیح می آورد. بنابراین علم واقعی همیشه صحیح و مطابق با واقع است. آن علوم بشری است که خطا در آن راه پیدا می کند، ولی علوم و معارف الهیه همیشه واقعی و صحیح هستند. خدا منبع و مرکز این نور را قلوب مقدّس چهارده معصوم علیهم السلام قرار داده و به دیگران هم که طالب علم هستند، سفارش کرده تا فقط به آنها رجوع نمایند. امام صادق علیه السلام به یونس بن ظبیان می فرمایند:

إِنْ أَرَدْتَ الْعِلْمَ الصَّحِيحَ، فَعِنْدَنَا أَهْلُ الْبَيْتِ. فَخُنْ أَهْلَ الذِّكْرِ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ: «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ».^۲

۱ - بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۲۵، ح ۱۷.

۲ - وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۴۹، ح ۳۰، از کفایة الاثر.

اگر علم صحیح می‌خواهی، پس نزد ما اهل بیت است. زیرا ما آن اهل ذکر هستیم که خداوند فرموده است: «اگر نمی‌دانید از اهل ذکر بپرسید.»^۱

این راه تنها راهی است که می‌توان علم را از طریق آن طلب کرد. از غیر این طریق، علمی به دست نمی‌آید. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

وَاللّٰهُ لَا يُوجِدُ الْعِلْمَ إِلَّا مِنْ أَهْلِ بَيْتٍ نَزَلَ عَلَيْهِمْ جَبْرَائِلُ.^۲

قسم به خدا، علم یافت نمی‌شود مگر از ناحیه اهل خانه‌ای که جبرئیل بر آنها نازل شده است.

بنابراین اگر حقیقتی برای انسان کشف شود، مسلماً ریشه آن به اهل بیت علیهم السلام برمی‌گردد؛ هر چند که خود شخص به این مطلب توجه نداشته باشد. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

أَمَّا إِنَّهُ لَيْسَ عِنْدَ أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ حَقٌّ وَلَا صَوَابٌ إِلَّا شَيْءٌ أَخَذُوهُ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ.^۳

توجه داشته باشید! هیچ حقیقت و سخن صحیحی نزد مردم نیست مگر آنکه آن را (بالآخره) از ما اهل بیت گرفته‌اند.

ریشه سخنان صحیح و معارف حقّه، فقط و فقط فرمایشهای اهل بیت علیهم السلام است. اگر این سخنان نبود، هیچ‌کس از معرفت صحیح برخوردار نمی‌شد. همین خارج شدن از ناحیه اهل بیت علیهم السلام معیار صحّت یک عقیده می‌باشد؛ به طوری که اگر عقیده‌ای با آنچه ایشان

۱ - نحل / ۴۳.

۲ - بحار الانوار، ج ۲، ص ۹۱، ح ۱۹، از بصائر الدرجات.

۳ - بحار الانوار، ج ۲، ص ۹۴، ح ۳۱، از محاسن برفی.

فرموده‌اند، تطبیق نکند و به نحوی از ایشان سرچشمه نگیرد، قطعاً سخن بیهوده و باطلی است. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

كُلُّ مَا لَمْ يَخْرُجْ مِنْ هَذَا الْبَيْتِ، فَهُوَ بَاطِلٌ.^۱

هر آنچه از این خانه (بیت وحی) بیرون نیامده باشد، باطل و ناصواب است.

بنابراین بالاترین درجهٔ ایمان این است که انسان خود را ملزم نماید که هیچ سخن و عقیده‌ای را از کسی جز اهل بیت علیهم السلام نگیرد و فقط تسلیم در خانه ایشان باشد. اگر چنین کند، مفتخر به رتبهٔ «مِنَّا اهل البیت» می‌گردد. امیرالمؤمنین علیه السلام خطاب به کمیل بن زیاد نخعی فرمودند:

يَا كَمِيلُ، لَا تَأْخُذْ إِلَّا عَنَّا، تَكُنْ مِنَّا.^۲

ای کمیل، جز از ما (اهل بیت) کسب (علم) نکن تا از ما باشی. این بزرگترین افتخار برای دوستدار اهل بیت علیهم السلام می‌باشد که هر چند از نعمت درک حضور امام زمانش محروم است، ولی با تقید به احادیث ائمه علیهم السلام در همین زمان غیبت می‌تواند به چنان مقامی نایل شود.

استقامت در پرتو علم صحیح

بنابراین اگر انسان بخواهد معارف صحیحی در دین داشته باشد، باید برای کسب علم جز به اهل بیت علیهم السلام رجوع نکند و محصول

۱ - وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۵۰، ح ۳۴، از بصائر الدرجات.

۲ - وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۱۷، ح ۳۴، از تحف العقول.

تفکّرات بشری را بر تعالیم اهل بیت علیهم السلام ترجیح ندهد و از التقاط و مخلوط کردنِ اینها بایکدیگر پرهیز نماید. در این صورت، از قوّتِ یقینی در معرفتِ خود برخوردار می‌شود که هیچ شبهه و اشکالی او را نسبت به عقایدش سست نمی‌سازد؛ به طوری که اگر کوهها تغییر کنند، او تغییر نمی‌کند.

امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ جمل خطاب به محمدبن حنفیه می‌فرماید:

تَزُولُ الْجِبَالُ وَلَا تَزُولُ^۱.

کوهها تغییر می‌کنند ولی تو تغییر نکن (استوار باش).

این فرمان امیرالمؤمنین علیه السلام باید در زمینهٔ ایمان و عقیده نیز مورد توجه واقع شود. راه عملی شدن آن این است که انسان عقاید خود را از طریق صحیح آن کسب کند و به غیر آنچه از این راه به دست می‌آید، اعتماد نوزد. تغییر کوهها غیر علنی و نامحسوس است. مؤمن باید در معرفت خویش به حدّی از یقین برسد که تغییرات نامحسوس هم نداشته باشد. تنها در این صورت است که می‌تواند مطمئن باشد که هیچ مطلبی او را متزلزل نمی‌کند و به هیچ وجه نسبت به عقاید صحیح خود به شک و تردید نمی‌افتد.

«شک» از بدترین آفات است که ایمان و یقین انسان را تهدید می‌کند. در زمان غیبت امام علیه السلام با انواع و اقسام افکار و عقیده‌هایی مواجه هستیم که هریک به شکلی معرفتهای انسان را در معرض شک و تردید قرار می‌دهند. انسان هر اندازه هم که باسواد باشد و با سخنان

این و آن آشنا باشد، تا از منبع اصلی معرفت، عقاید خود را کسب نکرده باشد، از خطر شک در آنها مصون نخواهد بود. یکی از مهمترین عوامل حفظ اعتقاد آدمی در مقابل شک و وسوسه همین امر است. بنابراین اگر نگران حفظ دین خود در زمان غیبت هستیم، باید نسبت به مجرای به دست آوردن آن، دقت کافی را انجام دهیم و جز به آنچه از ناحیه اهل بیت علیهم السلام رسیده، اعتماد نورزیم. امام علیه السلام می فرماید:

مَنْ أَخَذَ دِينَهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ آلِهِ،
زَالَتِ الْجِبَالُ قَبْلَ أَنْ يَزُولَ. وَ مَنْ أَخَذَ دِينَهُ مِنْ أَفْوَاهِ الرِّجَالِ،
رَدَّتْهُ الرِّجَالُ.^۱

هر کس دین خود را از کتاب خدا و سنت پیامبرش بگیرد، اگر کوهها تغییر کنند، او تغییر نمی کند. و کسی که دین خود را از دهان این و آن (غیر معصوم) بگیرد، همان گونه افراد او را از دین برمی گردانند.

ekalam.ir

بشارت خداوند به خردمندان

گاهی تحت این عنوان که انسان باید همه سخنان را بشنود و آنگاه از میان آنها بهترین را برگزیند، همه افکار و اندیشه ها در کنار هم گذاشته می شوند و همگی به یک چشم نگریسته می شوند. مکرر مشاهده می شود که بسیاری می خواهند از این طریق و با فهم و تشخیص خود، تکلیف احادیث معصومین علیهم السلام را هم معلوم کنند و هیچ فرقی بین افکار بشری و الهی در اصل نگرش خود قائل نمی شوند. آنگاه سخن خود

را به آیه قرآن هم مستند می‌کنند که می‌فرماید:

«فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ»^۱

پس بشارت ده بندگان مرا که سخن (حق) را می‌شنوند، سپس به بهترین صورتش از آن پیروی می‌کنند. آنها کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرده و آنها همان صاحبان عقل سلیم هستند.

اینها آیه را چنین معنا می‌کنند که باید هر سخنی را شنید - الف و لام را در «القول» الف و لام استغراق می‌گیرند - و آنگاه از میان آنها بهترینش را برگزید. بعد هم اضافه می‌کنند که خدا به کسانی که چنین روشی دارند، وعده هدایت داده و آنها را صاحبان عقل خوانده است.

اینها چون به اهل بیت علیهم‌السلام مراجعه نکرده‌اند، در فهم معنای صحیح همین آیه هم به خطا رفته و تفسیر به رأی نموده‌اند. وقتی ابوبصیر از حضرت صادق علیه‌السلام درباره این آیه پرسید، حضرت چنین پاسخ دادند:

هُمُ الْمُسْلِمُونَ لِأَلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الَّذِينَ إِذَا سَمِعُوا الْحَدِيثَ لَمْ يَزِيدُوا فِيهِ وَلَمْ يَنْقُصُوا مِنْهُ؛ جَاؤُوا بِهِ كَمَا سَمِعُوهُ^۲

اینها کسانی هستند که تسلیم آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌باشند که وقتی حدیث را می‌شنوند، در آن (تغییر نمی‌دهند و) اضافه و کم نمی‌کنند و همان‌گونه که شنیده‌اند، آن را می‌آورند (نقل می‌کنند) یا به آن عمل می‌نمایند.

پس «القول» در آیه شریفه، قول خاصّی است که همان قول حق و

۱ - زمر / ۱۸.

۲ - تفسیر نور الثقلین ج ۴ ص ۴۸۲ ح ۳۵.

سخن صحیح می‌باشد و الف و لام آن الف و لام عهد است. آیه در مورد کسانی است که وقتی احادیث اهل بیت علیهم‌السلام را می‌شنوند، تسلیم آن می‌گردند و بدون دخل و تصرف در آن و به همان شکلی که شنیده‌اند، به آن ملتزم می‌شوند. پس «يَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» معنایش این نیست که از میان اقوال مختلف بهترین آن را انتخاب می‌کنند، بلکه منظور پیروی از حدیث به بهترین شکل آن یا بهترین شکل پیروی از آن است. بهترین شکل حدیث یا پیروی از آن، نقل و عمل به حدیث به صورت دست نخورده و تغییر نیافته آن می‌باشد. کسانی را که چنین عمل می‌کنند، خداوند هدایت کرده است.^۱

در آیه شریفه صحبت از وعده هدایت در آینده نیست، بلکه اینها «هدایت شده» هستند که چنین عمل می‌کنند و می‌دانند که باید نسبت به حدیث آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چه برخوردی داشته باشند. اینها همان «اولوالالباب» هستند که به ضعف علمی و عقلی خود پی برده‌اند و به همین دلیل می‌دانند که باید کاستی‌های خود را با رجوع به اهل بیت علیهم‌السلام جبران کنند. بنابراین در تسلیم نسبت به ایشان، تأمل و تردیدی به خود راه نمی‌دهند و در لفظ یا معنای احادیث دخل و تصرفی را از ناحیه خود مجاز نمی‌شمارند. اینجاست که روشن می‌شود معرفت صحیح جز با تسلیم به اهل بیت علیهم‌السلام برای انسان حاصل نمی‌گردد.

۱ - البته ضرورت تأویل معنای ظاهر حدیث یا جواز آن در موارد لازم، خدشه‌ای به این بحث وارد نمی‌سازد. زیرا تأویل صحیح ضوابط و معیارهایی دارد که رعایت آنها از مصادیق «اتباع احسن» نسبت به حدیث است.

نتیجه اینکه هر سخنی را نباید شنید و هر فکری را نباید دنبال کرد و به هر مکتبی نباید روی خوش نشان داد. افکار و اندیشه‌های مختلف، سلامت روح و قلب انسان را به خطر می‌اندازد. انسان نباید به نام تحقیق، خود را آلوده به هر گرایشی بکند و در معرض انواع و اقسام انحرافات قرار بدهد؛ زیرا معلوم نیست که بتواند از منجلا ب آراء و افکار منحرف، سالم بیرون بیاید.

لازمه وجود عقل و درایت، احتیاط و اجتناب از آیینهای ساختگی و مکاتبی است که انتساب آنها به منبع وحی مورد اعتماد نیست. تا انسان مطمئن نشده که یک مکتب فکری از منبع الهی تغذیه می‌کند، نباید با دیده خوش بینانه به آن بنگرد؛ و اگر خودش صاحب نظر نیست، باید به افراد با صلاحیت در این زمینه مراجعه نماید؛ همچنانکه در مورد جسم و بدن خود، نیز به هر کسی رجوع نمی‌کند و تا مطمئن نشود که با پزشک متخصص مواجه است، به سخنانش اعتماد نمی‌کند.

سلامت روح و قلب انسان به مراتب بیش از سلامت جسمش ارزش دارد و هر قدر نسبت به حفظ سلامت بدنش حساسیت دارد، باید بیش از آن را در مورد روحش داشته باشد. طبیبان روح و فکر آدمی، ائمه علیهم السلام هستند و کسانی که همه اعتقادات خود را از آنها کسب کرده‌اند، صلاحیت دارند که انسان به ایشان رجوع کند و از آنها راهنمایی بخواهد.



فصل ۲

تسلیم به امر الهی در مورد امام علی‌السلام

درس دوم: تسلیم در برابر امام علی‌السلام، لازمه ایمان

شرط تسلیم در معرفت

یکی دیگر از آثار و لوازم معرفت امام علی‌السلام تسلیم شدن نسبت به ایشان است. معرفت صحیح جز به این وسیله برای انسان حاصل نمی‌گردد. امام صادق علی‌السلام می‌فرمایند:

إِنَّكُمْ لَا تَكُونُونَ صَالِحِينَ حَتَّى تَعْرِفُوا. وَ لَا تَعْرِفُونَ حَتَّى تُصَدِّقُوا. وَ لَا تُصَدِّقُونَ حَتَّى تُسَلِّمُوا.^۱

شما تا معرفت نداشته باشید، صالح نخواهید بود. و تا باور و اعتراف نداشته باشید، معرفت نخواهید داشت. و تا تسلیم نشوید، باور و اعتراف نخواهید داشت.

۱ - اصول کافی، کتاب الحجّة، باب معرفة الامام و الرّد الیه، ح ۶.

«تصدیق» همان باور و اذعان قلبی است که تا در انسان پیدا نشود، اهل معرفت نخواهد بود. با این ترتیب تصدیق، شرط معرفت و تسلیم هم شرط تصدیق است. بنابراین معرفت بدون تسلیم حاصل نمی‌شود. وقتی این هر سه وجود داشته باشد، انسان در شمار صالحان قرار می‌گیرد. پس کسی که اهل تسلیم به اهل بیت علیهم‌السلام نیست، اهل معرفت و ولایت ایشان هم نیست و از جمله صالحان محسوب نمی‌شود.

البته تسلیم شدن به اوامر و نواهی ائمه علیهم‌السلام لازمه پایین‌ترین درجه از معرفت امام علیه‌السلام است؛ که در گذشته از امام صادق علیه‌السلام نقل کردیم:

أَدْنَى مَعْرِفَةِ الْإِمَامِ أَنَّهُ عَدْلُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَّا دَرَجَةَ التَّوْبَةِ وَ
وَارِثُهُ وَ أَنَّ طَاعَتَهُ طَاعَةُ اللَّهِ وَ طَاعَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَ التَّسْلِيمُ لَهُ فِي
كُلِّ أَمْرٍ وَ الرَّدُّ إِلَيْهِ وَ الْأَخْذُ بِقَوْلِهِ.^۱

پایین‌ترین حد معرفت امام این است که او همتای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم - جز در نبوت - و وارث آن حضرت می‌باشد، و اینکه اطاعت از امام، اطاعت از خدا و رسول خداست، و تسلیم شدن به او در هر کار، و ارجاع دادن هر چیزی به ایشان و سپس برگرفتن نظر امام در آن مورد.

اگر شخصی به درجه ارجاع و تسلیم نسبت به امام علیه‌السلام نرسد، اصلاً مؤمن نخواهد بود. این تسلیم البته دارای درجات است. هر چه ایمان شخص کاملتر شود، درجه تسلیم او بالاتر می‌رود. پایین‌ترین حد آن این است که انسان بنای بر اطاعت و تسلیم نسبت به ائمه علیهم‌السلام داشته باشد و به طور کلی می‌توان گفت که اصولاً ایمان بدون تسلیم (لا اقل در

پایین ترین درجه اش) محقق نمی شود. چنانکه فرموده اند:

لَا يَكُونُ الْعَبْدُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَعْرِفَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالْإِمَّةَ كُلَّهُمْ وَ
إِمَامَ زَمَانِهِ وَ يَرُدَّ إِلَيْهِ وَيُسَلِّمَ لَهُ.^۱

بنده، مؤمن نخواهد بود مگر آنکه معرفت خدا و رسول او و همه
امامان و امام زمان خود را داشته باشد و به آن حضرت ارجاع
دهد و تسلیم ایشان باشد.

این یکی از اموری است که وجودش برای سلامت دین در زمان
غیبت، ضرورت دارد. به همین جهت حضرت سجاد علیه السلام - در حدیثی
که در ابتدای درس اول آوردیم - بعد از شرط صحت معرفت،
فرموده اند:

وَلَمْ يَجِدْ فِي نَفْسِهِ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْنَا وَ سَلَّمَ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ.^۲

شرک و کفر، نتیجه عدم تسلیم

تسلیم در اینجا تسلیم قلبی است. یعنی باید با میل و رغبت و
رضایت قلبی، خواسته های اهل بیت علیهم السلام را بپذیرد و قبول آنها برایش
سخت نباشد. به قدری این امر ظریف و مهم است که اگر کسی به همه
ظواهر دینی عمل کند، ولی این حالت قلبی - حداقل در پایین ترین
رتبه اش - هنوز در او پیدا نشده باشد، از ایمان کاملاً بی بهره است؛ بلکه
در شمار مشرکین محسوب می گردد. به طور کلی درجه ایمان انسان

۱ - اصول کافی، کتاب الحجّة، باب معرفة الامام و الزّدّ الیه، ح ۲، از امام باقر یا
امام صادق علیه السلام.

۲ - کمال الدّین، باب ۳۱، ح ۸.